



در مدینه و مکه

حسن مروّجی

بازم نگرداند از درگه خود!

نی‌نی مرا خواند با این بدی‌هام
بازم نگرداند از درگه خود
م‌ایوس بودم ز اعمال پیشین
گفتم محالست زی خود بخواند
گفتم به خواریم از در براند
گفتم محالست با این غلق‌ها

نه راند از خود، نه باز گرداند
باب‌اند و مام‌اند یا دیگری که
بل‌سوی خود خواند، چون باب و چون مام
چون او دل آرا، چون او دل آرام
لطفش عمیم است فیضش بود عام
تنها نه بنمود با من چنین لطف

اکنون من از شرم چون سر برآرم
صلوات بی‌حد بر او و آالش
در پیش رویش با این بدی‌هام
از شام تا صبح، از صبح تا شام

مدینه منوره ۸۸/۲/۱۲

من کجا و طواف خانه دوست؟! (در مکه مکرمه)

من کجا مسجدالحرام کجا!	من کجا مسجدالحرام کجا!
من کجا وین نشاط تام کجا!	من کجا و غمان اندک و بیش
من کجا جو بی غمام کجا!	من کجا و صوامع ملکوت
من کجا وین بلند بام کجا!	من کجا و طواف خانه دوست
بخت بین، ما و بار عام کجا!	ما گدایان بار یافته‌ایم
وین به هر سوی بی زمام کجا!	او کجا، آن زمام جمله به دست
من کجا و رحیق و جام کجا!	من کجا و خرابی این سان
من کجا امن این کنام کجا!	در جهانی که بنگه خطر است
یقظت است این همه، نیام کجا!	نیست این خواب و هست بیداری
من کجا، مسجدالحرام کجا!	خود بود مسجدالحرام بهشت

مکه مکرمه ۸۸/۲/۱۶

